بسمه تعالی

کارگاه تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جلسه اول: تبارشناسی تشکیل سیاست خارجی انقلابی از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

برای مطالعه تاریخ، ابتدا باید به عقب برگشت. این ذات تاریخ است. چرا که بر خلاف آرزوی سیاستمداران، تاریخ امر پیوسته است و با ظهور هیچکس و هیچ نظام سیاسی زاده نشده و با غروب هیچ کس و هیچ نظام سیاسی نمی‌میرد. به ویژه پس از انقلاب‌ها، برآمدن اشخاص بلند قد در تاریخ، و تغییر اساسی اوضاع و احوال داخلی، سیاستمداران پرسودا مایلند تا همه چیز را از صفر تعریف و ثبت کنند. اما دانشجو و پژوهشگر تاریخ وظیفه نگاه داشتن پیوستگی زمان و پیشینه حیات همه جانبه یک ملت را بر عهده دارد.

از همین رو، اگرچه در این کارگاه به تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم، باید به طور عملی اذعان کنیم که این تاریخ از هیچ آغاز نشده و دوستی‌ها، دشمنی‌ها، اشتباهات، قدرت‌ها و ضعف‌ها ریشه در تباری غالباً مشخص دارند.

هنگامی که انقلاب اسلامی پیروز شد، جنگ سرد در حساس‌ترین سال‌های خود بود: هنوز اتحاد شوروی به سانی که بعداً، ضعیف نشده بود؛ هنوز ایده سوسیالیسم به عنوان یک الگوی قدرتمند، بخش قابل اعتنایی از جهان را به کیفیات مختلف در دست داشت؛ هنوز چین به هیچ روی بر نیامده بود، ایالات متحده و اروپا هنوز متبخترانه و با رویکردی تا حدی نمایشی در حال برونگرایی متورم بودند و هنوز زخم‌های ناکامی ایده استقلال طلبانه نهضت مقاومت ملی و نهایتاً کودتای ۱۳۳۲ بر تن و خاطره ملت ایران بود.

آنچه در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پیروز شده بود اگرچه پا در یک مبارزه ۲۵ ساله داشت، ولی از پی یک انقلاب به عمر نزدیک دو سال رخ داده بود: انقلابی فعال، پیوسته، با رهبری مشخص امام خمینی و بدنه‌ای غیر عمدتاً غیرتشکیلاتی، منسجم و مذهبی که در غالب زمان، جلوتر از تشکیلات نه چندان حرفه‌ای.

آنچه سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در ابتدای انقلاب شکل داد به جز دینامیک نظام دوقطبی بین‌الملل، فضای این مبارزه بیست و پنج ساله بود که گرایش‌های مختلف مبارزاتی را حالا مدعی ارائه طریق در سیاست خارجی نیز کرده بود. گروه‌هایی که در ۱۳۳۲ از پی کودتا واپس زده شده بودند، یعنی بیش از همه جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق و دولت او، به همراه دیگرانی که حالا خود را در برابر نظام سیاسی می‌دیدند، از اواخر دهه ۱۳۳۰ و ابتدای ۱۳۴۰ با گشایش نسبی از پی نخست وزیری علی امینی که

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۳۱۳
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir

ساسان کریمی

مستظهر به حمایت کندی در کاخ سفید بود، و تضعیف دوباره شاه برای نخستین بار پس از کودتا، حالا احساس فضای به نسبت موسع‌تری داشتند:

- جبهه ملی دوم در ۱۳۳۹ تأسیس شد؛
- در اردیبهشت ۱۳۴۰ میتینگ جلالیه جبهه ملی ایران برگزار شد؛
- در ۱۳۴۰ نهضت آزادی تشکیل شد؛
- آیت الله خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شروع به اعتراض کردند.

با سرکوب نهضت آیت الله خمینی در ۱۳۴۳ این فضا به پایان رسید و زخم کهنه دوباره سر باز کرده منجر به تشکیل گروه‌های چریکی و آغاز دوره تازه‌ای از مبارزه مسلحانه (بعد از فدائیان اسلام) شد:

- حزب ملل اسلامی تشکیل شده بود (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴)؛
- سازمان مجاهدین خلق در ۱۳۴۸ نضج گرفته و در ۱۳۴۸ تشکیل شد؛
- سازمان چریک های فدائی خلق ایران در ۱۳۵۰ تشکیل شد.

از پی شکست در عملیات سازمان فداییان خلق در سیاهکل در اواخر ۱۳۴۹، در آستانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، ضربه شهریور ۱۳۵۰ به ویژه به سازمان مجاهدین خلق زده شد و تمام سازمان‌های چریکی را جدی‌تر و مخفیانه‌تر کرد. عملیات‌های مهمی که به ویژه دو سازمان اصلی چریکی در ادامه انجام دادند عبارت بود از:

تاریخ دقیق	سازمان	واقعه	هدف / توضیح
۱۹ بهمن ۱۳۴۹	فداییان خلق	عملیات سیاهکل	حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل؛ نقطه آغاز عملیات مسلحانه علنی فداییان
۱۸ فروردین ۱۳۵۰	فداییان خلق	ترور سپهبد ضیاءالدین فرسیو	رئیس اداره دادرسی ارتش؛ در حمله ۱۸ فروردین زخمی شد و ۲۲ فروردین در بیمارستان درگذشت. بنابراین اگر معیار «روز حمله» باشد ۱۸ فروردین و اگر معیار «روز مرگ» باشد ۲۲ فروردین است.
۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۱	مجاهدین خلق	ترور ستوان علاالدین جاویدمند	مأمور پلیس؛ در خیابان خورشید تهران
۳ خرداد ۱۳۵۱	مجاهدین خلق	ترور جلیل ایلکا	مأمور پلیس؛ میدان شاه تهران

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۳۱۳
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir

۲۲ مرداد ۱۳۵۱	فداییان خلق	ترور سرلشکر سعید طاهری	رئیس کل زندان‌های شهربانی؛ در تهران‌پارس
۱۲ خرداد ۱۳۵۲	مجاهدین خلق	ترور سرهنگ لوئیس هاوکینز	مستشار نظامی آمریکایی؛ در تهران
۲۰ مرداد ۱۳۵۳	فداییان خلق	ترور محمدصادق فاتح یزدی	مالک جهان‌چیت و چهره سرشناس اقتصادی در کرج
۹ دی ۱۳۵۳	فداییان خلق	ترور علینقی نیک‌طبع	بازجوی ساواک؛ در خیابان متین‌دفتری تهران
۱۲ اسفند ۱۳۵۳	فداییان خلق	ترور سروان یدالله نوروزی	رئیس/سرپرست گارد انتظامی دانشگاه صنعتی آریامهر؛ مقابل منزلش در نارمک
۱۴ اسفند ۱۳۵۳	فداییان خلق	ترور عباسعلی شهریاری	مرتبط با ساواک و از چهره‌های مهم شبکه نفوذ و اطلاعاتی آن
۲۶ اسفند ۱۳۵۳	مجاهدین خلق	ترور سرتیپ رضا زندی‌پور	رئیس کمیته مشترک ضدخرابکاری؛ راننده او، اسدالله عطوفی، نیز کشته شد. برخی منابع تاریخ را ۲۷ اسفند ثبت کرده‌اند.
۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴	جناح مارکسیست‌شده مجاهدین	قتل مجید شریف‌واقفی	تصفیه درون‌سازمانی؛ شریف‌واقفی از مخالفان تغییر ایدئولوژیک سازمان بود.
۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۴	مجاهدین خلق	ترور سرهنگ پل شفر و سرهنگ جک ترنر	دو مستشار نظامی آمریکایی در قیطریه تهران
۱۲ تیر ۱۳۵۴	مجاهدین خلق	ترور حسن حُسنان	کارمند/مترجم ایرانی کنسولگری آمریکا در تهران

در ۸ تیر ۱۳۵۵ با یورش کمیته مشترک ضد خرابکاری به مقر سازمان چریک های فدائی در خیابان شمشیری محله مهرآباد جنوبی و کشته شدن حمید اشرف، عملاً جنبش مسلحانه به مسلخ رفت: تمام اعضا یا در درگیری مسلحانه کشته، یا اعدام یا در زندان بودند و عملاً در بافتار شهر هم حداقلی از روح مبارزه به معنایی که در ده سال منتهی به ۱۳۵۵ برقرار بود باقی نمانده بود. به ویژه که در سال‌های مذکور، انشعابات درون‌گروهی و درگیری‌های منجر به آن موجب تضعیف مرکزیت سازمان مجاهدین خلق شده بود.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۳۱۳
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir

از موارد مهمی که کمیته مشترک ضد خراکاری و حتی همکاری‌های برون مرزی ساواک را تا این میزان بر مسأله جنبش‌های چپ و به خصوص چریکی متمرکز می‌کرد، فضای دوقطبی در نظام بین‌الملل بود که تهدید اصلی را هم برای ایالات متحده و هم براش شاه و حکومت پهلوی دوم از جنس کمونیسم قلمداد می‌کرد. با اینکه آیت الله خمینی بیش از ده سال بود که در تبعید به سر می‌بردند، این تهدید از نظر دستگاه‌های اطلاعاتی داخلی و حتی خارجی، به علل مختلف در درجات بعدی و بدون اهمیت بسیار زیاد قلمداد می‌شد. از نظر آنها، با این تبعید عملاً موضوع تا حد زیادی مدیریت شده بود، خاطره جامعه در دو لایه درگیر ادبیات و گرایش‌های چپ از یک سو و نوسازی و تجدد پر سرعت دولتی از سوی دیگر بود، آیت الله خمینی چندان در مبارزه سیاسی پرتکاپو نمی‌نمود، این لایه از معترضین از نظر حکومت فاقد تشکیلات منسجم و کارآمد بودند و از قضا بهترین ویژگی ایشان، توانایی خنثی‌سازی گفتمان چپ به واسطه تعلقات دینی بود.

این خلأ گفتمانی با آغاز پویش انتخاباتی کارتر در ایالات متحده در ۷ مرداد ۱۳۵۵ به عنوان نامزد اصلی حزب دموکرات وارد مرحله تازه‌ای شد. جیمی کارتر با میراث گفتمانی کندی، از یک سو بر آن قائل بود که ایالات متحده به عنوان "رهبر جهان آزاد" می‌بایست گفتمانی را دامن بزند که در مقابل گفتمان‌های جنبش‌های آزادی بخش و به ویژه عدالت‌طلبانه چپ، تاب آور باشد. از سوی دیگر، این گفتمان باید توان برآمدن از رویکرد قدرت مدار جمهوری خواهان را نیز داشته باشد. از این رو آنچه کارتر در دست گرفت از جمله گفتمان دفاع از حقوق بشر بود که به آن واسطه می‌توانست بر هر دو مورد فوق فارغ آید. از بهترین مواردی که کارتر می‌توانست با فشار آوردن، نقد و حمله به آن، موضع جمهوری خواهان را تحت فشار قرار دهد، ایران بود. شاه که به ویژه در دوران نیکسون شده متحد راهبردی امریکا شده بود و حتی توانسته بود سیاست دوستونی[1] نیکسون را نیز پشت سر گذاشته به قدرت بلامنازع و متحد بلاتردید ایالات متحده در منطقه بدل شود، به ویژه معاملات تسلیحاتی بسیار قابل توجهی را با ایالات متحده انجام داده و از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را به عنوان متحدی برای بلوک غربی مطرح کرده بود.

اگر چه ایران در مواردی مانند خرید کارخانه ذوب آهن اصفهان(۱۳۴۳-۱۳۵۱)، اتحاد شوروی را به مثابه یک گزینه بالقوه به رخ غرب کشیده بود، باید تأکید کرد که به ویژه در زمان نیکسون این چسبندگی سیاسی به غرب و به ویژه قدرت‌های غربی (امریکا در صدر و بعد از آن سه قدرت اروپایی) شدت گرفت.

این قطبیدگی در سیاست خارجی در دوره نیکسون، ضربه پذیری ایران را به عنوان موضوعی در رقابت‌های انتخاباتی امریکا بیشتر کرد. در واقع اولویت هیچکدام از دو طرف در واشنگتن، موضوعات بشردوستانه و به طور کلی فراآمریکایی نبوده و همه چیز حول

[1] Twin Pillars Policy

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۳۱۳
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir

رقابت در سیاست داخلی امریکا بود؛ امری که از نظر مفهومی به سیاق همیشگی سیاست غیر شعارزده، ذات پدید آمدن و از دست رفتن بزنگاه‌ها را توضیح می‌دهد.

کارتر به فشار آوردن به ایران در مواضع انتخاباتی خود اهتمام کرد و با انتقاد از وضع حقوق بشری و زندان‌ها، محمدرضا شاه را در وضع تدافعی قرار داد. به گواه زندانیان مختلف از گرایش‌های مختلف مسلمان و چپ و ملی و همچنین زیرمجموعه‌های پیش‌گفته آنها، وضع در این نقطه در زندان‌ها قدری تسهیل شد. این فشارها فضا را از جمله برای حرکت‌های اعتراضی و پیگیری‌های حقوقی باز کرد. کسانی مانند عبدالکریم لاهیجی وکیل دادگستری به کمک سازمان‌های حقوق بشری توانستند فضا را در داخل به سمت پیگیری‌های حقوق بشری، بازدید از زندان‌ها و تأسیس دفتر جمعیت صلیب سرخ در تهران ببرند که در امر سیاست داخلی حکومتی مستقر، امری بی‌سابقه بود. در عین حال آیت الله خمینی با تشخیص بزنگاه مناسب سیاسی، شاه را در موقع ضعف دیده مجدداً ترتیبات اعتراضی و انتقادی خود و به خصوص اقدامات الهام بخش خود از جمله صدور و ارسال پیام صوتی را از نجف آغاز کردند. به مرور دولت هویدا و همچنین ساواک در وضع داخلی در موضع تضعیف شده‌ای واقع شدند و در ۱۳۵۶ دولت سیزده ساله هویدا پایان یافته سیر تغییر دولت‌ها آغاز شد.

در عین حال با فعالیت حداقلی نزدیکان جبهه ملی در عرصه سیاست و حقوق، و همچنین بغض فروخفته باقیمانده‌های جنبش‌های چپ و چریکی در زندان و غربت از جمله در کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور، رهبری این جنبش جدید بی شک با آیت الله خمینی بود و قهراً گرایش نزدیک به ایشان در مصدر امر مبارزه موثّر.

با اوج گیری این تأثیرگذاری و با توجه به تغییرات سیاست داخلی عراق، آیت الله خمینی از عراق به پاریس رفتند و این، بیشترین برد رسانه‌ای را برای ایشان فراهم کرد که به نوعی دیپلمای عمومی زودهنگام نظام سیاسی بعدی محسوب می‌شود.

با پیروزی انقلاب و مدعای پررنگ تمام گرایش‌های پیش‌گفته، تمایل در سیاست خارجی به سمت و سوی کشورهای مختلف شکل گرفت که پررنگ ترین ایشان اتحاد شوروی و کمرنگ‌ترین ایالات متحده بود. اما از آنجا که زمام امر در دست رهبر انقلاب قرار داشت، به وضوح روسگرایی به محاق رفت ولی به هر حال امریکا ستیزی به تدریج به میراث آنچه در حال رشد بود تبدیل شد.

رخدادهای موثر بر سیاست خارجی در دوران پس از پیروزی انقلاب را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۳۱۳
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir

تاریخ	رخداد	اهمیت برای سیاست خارجی
۲۲ بهمن ۱۳۵۷	پیروزی انقلاب اسلامی	فروپاشی نظم خارجی دوره پهلوی و آغاز بازتعریف روابط ایران با آمریکا، شوروی و منطقه
۲۴ بهمن ۱۳۵۷	شناسایی دولت موقت توسط آمریکا	آغاز رابطه محتاطانه با جمهوری اسلامی
۲۹ بهمن ۱۳۵۷	قطع روابط ایران و اسرائیل و واگذاری سفارت اسرائیل به فلسطینیان	تغییر بنیادین موضع ایران در قبال اسرائیل و مسئله فلسطین
فروردین ۱۳۵۸	برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی	تثبیت نظام سیاسی جدید و مبنای حقوقی سیاست خارجی جدید
۲۹ فروردین ۱۳۵۸	خروج ایران از سنتو (CENTO)	پایان یکی از مهم‌ترین پیوندهای امنیتی ایران با غرب
۱۳ آبان ۱۳۵۸	اشغال سفارت آمریکا در تهران	نقطه عطف در روابط ایران و آمریکا
۱۵ آبان ۱۳۵۸	استعفای دولت موقت	تقویت نیروهای انقلابی در تعیین سیاست خارجی
۲۰ آبان ۱۳۵۸	دستور کارتر برای تحریم اقتصادی ایران	آغاز مرحله جدید فشار آمریکا
۵ اردیبهشت ۱۳۵۹	عملیات طبس آمریکا برای آزادسازی گروگان‌ها	تشدید تقابل ایران و آمریکا
۲۰ دی ۱۳۵۸	قطع روابط دیپلماتیک آمریکا با ایران	تبدیل منازعه به قطع رسمی روابط
۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹	قطع روابط ایران و آمریکا	*در واقع قطع روابط آمریکا با ایران در ۲۰ فروردین/۷ آوریل ۱۹۸۰ رخ داد؛ این مورد را باید با تاریخ دقیق ثبت کرد.*
۳۱ شهریور ۱۳۵۹	حمله عراق به ایران و آغاز جنگ ایران و عراق	تبدیل محیط امنیتی ایران به محیط جنگی و محور شدن امنیت منطقه‌ای در سیاست خارجی

از مهم‌ترین این رخدادها طبعاً اشغال سفارت امریکا در تهران بود که به دست نیروهای مذهبی با گرایش ذهنی چپ و همچنین در رقابت با دیگر گروه‌های امریکا ستیز انجام شده و به هر روی پایه گذاری بخش بزرگی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این روز انجام شد. در ادامه تلاش ایالات متحده برای آزادسازی دیپلمات‌ها، کودتای ناکام نوژه و تلاش برخی نیروهای سیاسی برای حمله یا کودتا در ایران با استظهار به دولت‌های خارجی (امریکا، فرانسه و به ویژه عراق) بود که زمینه ساز بسیاری از رخدادهای بعدی شد. جنگ تحمیلی که البته با تحرکات سیاسی و نظامی عراق به تدریج آغاز در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ همه چیز را در هویت و شالوده جمهوری اسلامی ایران رقم زد و در قالب دفاع میهنی متعین کرد.

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۳۱۳
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir